در نماز از جمله ی ارکان به سجده یک رکن حساب میشه و میدانیم که اگر کسی رکن را در نماز فراموش کرده و یادش آمد که رکنی فراموش شده اگر داخل رکن بعدی نشده باید برگرده اون رکن فراموش شده را انجام بده. و اگر نه داخل رکن بعدی شده نمازش باطله.مثل اینکه رفته به رکوع یادش آمد که تکبیرة الاحرام نگفته مثلاً خب این نمازش باطله اما اگر هنوز به رکوع نرفته یادش آمد یادش آمد نگفته خب باید برگرده بگه تا به رکن بعدی داخل نشده رکن فراموش شده را باید برگرده انجام بده حالا اگر کسی رفت به سجده یادش آمد رکوع فراموش شده خب اینجا در سجده ی اول اگر باشه باید برگرده برای اینکه سجده ی اول رکن نیست دو سجده با هم رکنه اگر هنوز به سجده نرسیده یادش آمد که رکوع نکرده خب برمیگرده رکوع را انجام میده بقیه را انجام میده اگر به سجده ی اول رفته یادش آمد که رکوع انجام نشده بازم برمیگرده رکوع را انجام می دهد و بعد نماز را ادامه میده بعدش سجده ی سهو دارد و اگر چنانچه سر از سجده ی اول برداشته یادش آمد که رکوع نکرده بازم برمیگرده چون هنوز محلش باقیه و اگر به سجده ی دوم رفته یادش آمد که رکوع نکرده این دیگه نمازش باطله چون سجده ی دوم رکن داخل در رکن شده چون داخل در رکن شده و رکن فراموش شده ی قبلی دیگه محلش گذشته و دیگه قابل تدارک نیست.پس دو سجده با هم رکنه سجده ی اول رکن نیست و سر از سجده ی اول برداشتن هم هنوز هم داخل در رکن بعدی نشده سجده ی دوم که کرد ولو هنوز در سجده است همین که سر به سجده گذاشته در سجده ی دوم که یاد ش آمد که رکوع ترک شده اینجا نمازش باطله چون رکن فراموش شده و قابل تدارک هم نیست.

عرض کردم حق این بود که حضرت آقای یوسفی که تشریف فرما هستند افاضه می فرمودند ما بیشتر استفاده می کردیم از محضرشان حالا شاید هم مایل باشند یه چند دقیقه ای بنده که مزاحم شدم بعد افاضه بفرمایند کمتر از حضورشان استفاده می کنیم.

امروز که روز سوم جمادی الثانی است بنابر نقل اصح در میان جمعی از بزرگان روز شهادت اندوهبار حضرت صدیقه ی طاهره سلام الله علیهاست ولذا این زیارتی که امروز وارد است جناب آقای اندریون خواندند حالا نمی دانم یادم نیست که امروز هم وارده «السلام علیک یا سیدة نساء العالمین السلام علیک یا والدة الحجج علی النّاس أجمعین السلام علیک ایتها المظلومة الممنوعة حقها.اللهم صل علی أمتک و اِبنة نبیِّک و زوجة وصیِّ نبیک صلاةً تُزْلِفُها فَوقَ زُلفی عِبادِکَ المُکْرَمین مِنْ أهل السَّماوات و أهل الأَرَضین[[1]](#footnote-1)» و این زیارتی که روز یک شنبه وارده دو تا زیارت برای حضرت صدیقه علیها السلام از روز یک شنبه وارده در زیارت دومشون این جمله است در زیارت مدینه ی اون حضرت هم این جمله هست که «السلام علیک یا ممتحنة امتحنک الذی خلقک قبل ان یخلقک[[2]](#footnote-2)1» مُمتَحِنْ یعنی اون کسی که امتحان می کند مُمْتَحَن اون کسی است که مورد امتحان قرار می گیرد.خطاب می شود به حضرت صدیقه علیها السلام ، یا ممتحنة ای ذات مقدسی که مورد امتحان خدا قرار گرفته ای.خدا امتحان کرده اون هم کی؟ امتحنک الذی خلقک قبل ان یخلقک ما خیلی از مطالبش هست که به واقع درک نمی کنیم نمی فهمیم.یه شبحی به نظر ما می رسد از مقاماتشان و فضائلشان.یعنی چه قبل از اینکه تو را در عالم خلق بیاورد امتحانت کرده امتحنک الذی خلقک قبل ان یخلقک قبل اینکه در عالم خلق.حالا ما همین مقدار عالم خلق داریم عالم امر داریم. ألا لَهُ الخَلقُ وَ الأمر تَبارَکَ اللهُ ربُّ العالمین[[3]](#footnote-3)2 همین مقدار که به نظر می رسد که چون عوالم آفرینش خب متعدده عالمی قبل از این که در این عالم خلق و طبع بیایند در عالم دیگری حالا عالم امر تعبیر کنیم عالم علم ربوبی تعبیر کنیم هر چه هست در عالمی فوق این عالم خلق و طبع وجود داشته است اون هم وجود کامل به جوری که شایسته ی امتحان باشه چون تا کسی واجد کمالات نباشه که امتحانش نمی کنند.کسی واجد کمالات و علوم و معارف است بعد امتحانش می کنند اون هم امتحان کننده خدا باشد.خدا امتحان کند اون هم در عالم فوق این عالم خلق و طبع امتحان کند بعد او را هم فَوَجَدَکِ لِمَا امْتَحَنَکِ صابِرَةً تو را صابر هم ببیند و مستقیم و ثابت و استوار بیابد واجد همه ی کمالات و معارفی که در حد امکان هست و در حد یک مخلوقه واجد همه ی اون کمالات بوده است که مورد امتحان قرار گرفته و بعد هم مقبول از امتحان درآمده فَوَجَدَکِ لِمَا امْتَحَنَکِ صابِرَةً ولذا اون حدیثی هم که هست از امام صادق علیه السلام به نقل مرحوم مجلسی رضوان الله تعالی علیه از رسول خدا نقل می شود که وقتی ملائکه ظلمتی اونها را گرفت در عالم خودشان که باز هم ما نمی دانیم و بعد تضرع کردند نوری درخشید و ظلمت اونها را برطرف کرد تضرع کردند که خدایا این نور درخشنده ی از کجاست؟خطاب شد که هذا نورٌ مِن نوری.... خلقْتُهُ مِن عَظِمَتی[[4]](#footnote-4)3 این از عظمت من نشأت گرفته مخلوق از عظمت و جلالته.خب این یعنی چه؟این ماده ی خلقتش عظمت خدا باشد.از عظمت من خلق شده بنام زهرا که درخشنده نامیده می شود أَسْکَنْتُهُ فی سَمائی او را که خلق کردم در آسمان خودم مربوط به خودم سَمائی اون هم سَمائی که علوّ و رفعتی که مختص به خودم هست در اونجا او را اسکانش دادم أُخْرُجُهُ مِن صُلبِ نَبِیٍ مِن أنبیائی بعد در عالم خلق تنزل می کند از صلب پیغمبری از پیغمبران من بیرونش می آورم أُفَضِّلُهُ عَلَی جَمیعِ الأنبیاء او را بر همه ی انبیاء تفضیلش می دهم و عجیب اینکه اُخرِجُ مِن ذلک النُّورِ أَئمَّةً یَقُومونَ بِأمری اون امامانی که قائم به امر من هستند کدام امر؟ إنَّما أمرُهُ إذا أرادَ شَیْئاً أن یَقُولُ لَهُ کُنْ فَیَکُون[[5]](#footnote-5)1 اون کسانی که فرمان امر من بدست اونهاست فرمان تکوین در عالم بدست اونهاست تازه اونها از این نور نشأت می گیرند أُخرجُ مِن ذلک النُّور از این نور اون انواری که قاهر در عالمند اون انوار قاهره در عالم مولود این نورند که حالا ما اصلا درک نمی کنیم.قاهریت ائمه علیهم السلام در چه حده؟امام عصر اواحنا فداه در چه حد قاهریت در عالم دارد؟فرمان امر بدست اوست.او که فرمان امر بدست اوست و قاهر در عالم است او یک نوری ست انشعاب یافته ی از نور زهرا علیه الصلاة و السلام اُخرِجُ مِن ذلک النُّورِ أَئمَّةً یَقُومونَ بِأمری در اون زیارتشان هم میخوانیم اللهم صلّ علی البتول الطاهرة الصدیقة المعصومة حبیبة المصطفی و قرینة المرتضی [[6]](#footnote-6)2 این القاب و عناوین مثل ما تشریفاتی نیست.ما به همدیگه القاب میدیم اینها واقعیت هم نداره اسمهایی که برای همدیگه میذاریم اسمهایی لقب های خیلی مهمی مثلا پر باد برودی اینها واقعیتی نداره یه تجلیلیه.بر فرض به من بگویید حجة الاسلام فرض بفرمائید ولی واقعیت نداره این خیلی روشنه این دروغه برای اینکه حجة الاسلام یعنی چی؟اون کسی که برهان اسلام است یعنی اسلام رو دست میگیره به دنیا نشان می دهد که اگر من آدم ساز نبودم اینو نمی ساختم.این که در دامن من پرورش یافته است آدم کامل این روشن و دلیل است بر اینکه من آدم سازم.حالا آیا واقعا این معنا هست بر بنده فرض بفرمائید این حجت اسلام است این برهان اسلام هست و دلیل بر حقانیت اسلام هست و دلیل بر اینکه اسلام کارخانه ی انسان سازی دارد انسان کامل می پروراند در عالم آیا این هست مثلا؟خب از همین قبیل القاب.اینها تشریفات و تجلیله.تجلیله دیگه.برای اینکه احترام کنیم.اما القابی که اولیاء دارند اینها واقعیت داره یعنی نشان می دهد از یک گوشه از واقعیات روحی حقیقیشون.اگر صدیقه علیه السلام بگیم فاطمه است یعنی واقعا فاطمه است یعنی او می بُرد همه ی پیروان خودش را از عذاب جهنم بشرطی که دنبالش باشند.می بُرد از عذاب جهنم.یا فاطمه است لِأَنَّ الخَلقَ فطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِها[[7]](#footnote-7)3 یعنی واقعا مخلوق عاجز از معرفت اوست. فطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِها این واقعیت داره یعنی دیگران بُریده شده اند کسی نمی تواند دست فکرش به دامن معرفت او برسد. لِأَنَّ الخَلقَ فطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِها زهرا است یعنی واقعا درخشنده است بنور او آسمانها درخشیده.بنور او ملائکه از اون ظلمت بیرون آمده اند.بنور او بهشت آفریده شده که وقتی رسول اکرم می فرمود وقتی من بوی بهشت استشمام می کنم مسئله ی تعارف که نبوده.بحث اینکه حالا دختر من هست و مثلا دوستش دارم هر پدری دوست داره بوی خوشی از بچه اش استشمام کنه این از این قبیل نبوده نه این واقعا بهشت ما چه می فهمیم؟یعنی واقعا یعنی چه و بوی بهشت چی هست؟اونم شامه ی رسول خدا می خواهد استشمام کند او هم زهرا علیه السلام که برای دیگران قابل درک نبود.عایشه تعجب می کرد مثلا خب حالا شما پدرت اون هم دخترت اینقدر او را بوییدن و بوسیدن می فرمود تو نمی فهمی! من از او بوی بهشت استشمام می کنم.پس واقعا طاهره است واقعا الحوراء الانسیه است صلّ علی البتول الطاهرة الصدیقة المعصومة حبیبة المصطفی و قرینة المرتضی تُفّاحة الفِرْدَوْسِ اون سیب دست پرورده ی خدا در عالم بهشته.علی مرتضی علیه السلام چقدر بزرگه!که باید خداوند به دست خودش سیب بهشتی بپروراند بعنوان یک تحفه ی آسمانی بدست علی امیر علیه السلام برساند. حبیبة المصطفی و قرینة المرتضی تُفّاحة الفِرْدَوْسِ وَ الخُلْد بعد هم جمله ی آخر هم که خواستم مؤید اون حدیث اول باشه سَلَلْتَ مِنها أنوار الأئِمّه یعنی خدایا ما اعتقادمون اینه زهرا علیها السلام اون گوهر گرانبهایی ست که انوار قاهره ی امامان علیهم السلام را از او بیرون کشیده ای.انوارشان بیرون کشیده شده سایر ائمه هم مادرانی دارند.اون مادرها غیر این مادره.مادر جسم بودند فاطمه بنت اسد رضوان الله علیها رضی الله عنها بسیار بزرگه مادر امیرالمومنینه اما مادر روح او که نیست علی امیر علیه السلام کجا و او کجا؟نه اون جسم امیر علیه السلام اونهم در عالم طبع از او تولد یافته.نرجس خاتون مادر امام عصر ارواحنا له الفداه است.اما نه از این تیپ مادره مادر به حسب ظاهر ازدواجی واقع شده و جسم امام عصر علیه السلام در عالم طبع و ظاهر از او تولد یافته اما فاطمه علیها السلام مِنها أنوار الأئِمّه انوارشان از نور او نشأت گرفته.نه حساب سایر مادرها سَلَلْتَ مِنها أنوار الأئِمّه وَ أَرخَیتَ دونَها حِجابَ النُّبُوَّه پرده ی نبوت مقابل او افتاده کسی بخواهد او را بشناسد اول نبوت را بشناسد و پرده ی نبوت را کنار بزند تا پشت پرده ی نبوت، نور زهرا علیها السلام را بنگرد أَرخَیتَ دونَها حِجابَ النُّبُوَّه کسی نمی تواند تا این سمت پرده ی نبوت را اون سمت پرده را ببیند این ممکن نیست ولذا معرفتش برای ما قابل اکتناه نیست خب ولی در عین حال هم وظیفه داریم تا حدی که بطور شَبَه هم که باشه اندکی عرض مودت هم شده باشه.از عایشه ای که خیلی هم حسود بود نسبت به زهرا علیها الصلاة و السلام از او نقل شده که می گوید «ما رأیت أحدا من الناس أشبه بالنبیّ صلی الله علیه و آله و سلم کلاماً و لا حدیثاً و لا جلسة من فاطمة علیها السلام[[8]](#footnote-8)1» من کسی را ندیدم که شبیه ترین مردم به پدرش باشه به رسول خدا باشه از جهت سخن گفتن مضموم سخن پرورانیدن، در نشستن و راه رفتن و برخاستن کسی را ندیدم شبیه ترین مردم به پدر باشه یعنی آیینه ی تمام نمای رسول خدا بود. تَحْکی شیمَتُها شیمَتَه و ما تخرم مَشیَّتَها مَشیَّتَهْ هیچ کم و کسری در رفتار و گفتار و نشست و برخاست و اخلاق و روحیات تفاوتی کم و کسری با پدر نداشت.مسئله ی عبادتشان زهدشان همه را از زبان خودشان بشنویم دیگه.رسول خدا درباره ی عبادت دخترش می فرمود: أمّا ابنَتی فاطمةُ فإنّها سیّدة نِساء العالمین مِن الأوَّلین و الآخرین هی بضعة منّی[[9]](#footnote-9)1 اول نشان می دهد پاره ی تن منه.قانع به این نمی شود.این بس نیست هِیَ نور عینی باز هم بس نیست و هِیَ ثمرة فؤادی نه میوه ی قلب من است.باز هم کافی نیست و هِیَ روحی الّتی بین جنبی اون روح و جان من است.خب روح و جان انسان هر کسی حیاتی بستگی به اون دارد روحی الّتی بین جنبی.بعد مَتی قامَت فی مِحرابها بین یدی ربّها وقتی در محراب عبادتش بایسته رسول خدا مدح کند عبادت کسی را و مجذوبیت زهرا ؟ع؟را به خدا توصیف می کنم.این کماله مجذوب خداست.وقتی در محراب عبادت می ایستاد بین یدی ربّها (جلّ جلاله) زهر نورها اون درخشندگی اش برای آسمانیان اون چنان می درخشید اون طور که ستارگان برای زمینیان می درخشند.بعد هم خداوند مباهات می کند در میان ملائکه و فرشتگان انظروا إلی أمتی فاطمه به بنده ام فاطمه بنگرید سَیِّدَةَ اَمائی که مقابل من ایستاده تَرْتَعِدُ فَرائِصَها مِن خیفَتی این سینه اش می لرزد از خوف و خشیّت من.بعد شاهد باشید من محبین او را از عذاب خودم امان دادم.امیدواریم ان شاءالله جزء محبینشان باشیم.پروردگارا ما ناقصیم ولی در عین حال معترفیم و مفتخریم که این قلب ما کانون حبّ زهرا علیها السلام و آل بیت زهرا علیها السلامه و خدا هم وعده کرده که محبین زهرا علیها السلام را از آتش جهنم مصون نگه دارد و اما راجع به زهدش از شوهر بزرگوارش بشنویم که وقتی کسی سؤال کرد بعد از شهادت زهرا علیها السلام زندگی اش را می فرمود: أ لا أُحَدِّثُکَ عَنّی و عَن فاطِمةُ الزّهرا[[10]](#footnote-10)1 بخوای یه شمه ای بگویم از جریانی از زندگی اش بگویم أنَّها کانَت عِندی کنار من که بود؟عزیز ترین کس برای من بود فَاسْتَقَتْ بِالقِرْبَةِ حَتّی أَثَرَ فی صَدْرِها بقدری بند مشک آب روی دوش کشید که این بند مشک روی سینه اش اثر گذاشت وَ طَحَنَتْ بِالرَّحَی حَتّی مَجِلَتْ یَدَاهَا انقدر با این دست های لطیف و مبارکش این آسیاب دستی را چرخاند برای خرد کردن دانه های گندم و جو که دست هایش تاوول زد وَ کَسَحَتِ البَیْتَ حَتَّی اِغْبَرَّتْ ثِیابُها انقدر خانه ها را تنظیف کرد تا لباسش گرد آلود شد وَ أَوْقَدَتْ تَحْتَ الْقِدْرِ زیر دیگ انقدر خب کارهای خانه زندگی خودش را تقسیم می کرده با خودش و خادمه اش فضّه، یک روز خودش کار کند یک روز هم خانم خانه کار کند فأَصَابَها مِنْ ذَلِکَ ضُرٌّ شَدید خب به زحمت افتاد تا اینکه پیش پدر رفت تا کمک کاری بگیره عجیبه فرمود من کمک کاری به تو می دهم که بله بهترین کاری دستور بدهم که کمک کارت باشد.اون کار چیه؟اون کار وقتی خواستید بخوابید یا در حالا دیگه سی و چهار بگو الله اکبر سی و سه مرتبه بگو الحمدلله سی و سه بار بگو سبحان الله یعنی چه؟ با خدا در ارتباط بودن بهترین کمک کاره ارتباط با خدا و چه کاری که کمک کار باشه! الله اکبر بهترین کارها بهترین کمک کارها خدا را بزرگ دیدن خدا را سبّوح و قدّوس دیدن. و امّا گوشه ای از محبوبیّت زهرا علیها السلام اینم عجیبه مرحوم مناقب ابن شهرآشوب نقل شده است که وقتی این دزدی آوردند پیش پیغمبر اکرم دستور داد دستش را قطع کنند او گفت یا رسول الله این دستی که در عالم اسلام برای بیعت کردن با شما پیش افتاده باید بریده شود؟عجیبه که فرمود لَوْ کانَتِ الَّتی فاطمه یعنی بقدر قانون خدا در نزد من بزرگه اگر فرضا دخترم فاطمه هم گناهی فرضا مرتکب بشه می بُرم.این جمله که گفته شد به سمع زهرا علیها السلام رسید اندکی تکدُّر خاطر پیدا کرد یعنی همین اگر بقدری روح لطیف است که بعنوان اگر هم اگر گناهی به او نسبت بدهند تکدر خاطر پیدا می کنند.روح لطیف است و منزه از گناه حتی بعنوان قضیه ی شرطیه بقول آقایان.اگر هم با گفتن اگر هم مثل اینکه ناراحت می شوند که مثلا نا فرمانی خدا وقتی محزون شد درهمین حال آیه نازل شد به رسول خدا خطاب شد لَئِنْ أشرَکْتَ لَیَحْبِطَنَّ عَمَلُک[[11]](#footnote-11)1 تو هم اگر مشرک بشوی عملت حبط می شود.خب مشرک شدن گناه بزرگی ست دیگه هیچ گناهی به پای مشرک شدن نمیرسه.به پیغمبر نسبت داده شده بطور اگر برای اینکه جبران خاطر زهرا علیها السلام بشه.تو هم اگر مشرک بشوی اعمالت حبط می شود حَزِنَ رسول الله رسول خدا محزون شد از این جهت که همین مقدار باز هم اگر شرک بعنوان اگر هم به رسول خدا نسبت داده بشود مایه ی حزن خاطرش میشه.در عین حال آیه ای نازل شد لَوْ کانَ فِیهِما آلِهَةٌ إلّا اللهُ لَفَسَدَتا[[12]](#footnote-12)2 اینجا به خود ذات اقدس نسبت داده می شود نقص بزرگی که از اون نقص بزرگتر هم نیست شریک داشتن.شریک داشتن خدا نقص بزرگیه محدودیت و سایر نواقص ولی در عین حال خدا به خود نسبت میده که اگر من شریک داشته باشم فساد در عالم پیدا می شود.خب نقص بزرگ را به خود نسبت می دهد که تکدر خاطر زهرا علیها السلام برطرف بشود.اونجا با اگر گفتن زهرا علیها السلام مکدر میشه اونجا اگر گفتن قلب مقدس رسول خدا مکدر میشه اگر برای خودش هم گفته میشه که تکدر خاطر هر دو برطرف بشود.ولذا جبرئیل هم خبر آورد که بله چون خداوند دوست ندارد که زهرا تکدر خاطر پیدا کنه برای اینکه رضایت او فراهم بشود این آیات نازل شده و هم می دانیم که این آیه نازل شد لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَینَکُم کَدُعاءِ بَعضُکُم بَعضاً[[13]](#footnote-13)3 چون مردم خطاباتشان به پیغمبر اکرم غیر مؤدبانه بود دیگه با اسم خطاب می کردند.دستور رسید که این کار را نکنید شماها با ادب با رسول خدا صحبت کنید.بگید یا رسول الله اسم شریفش را نبرید ما هم ادبی ست که یاد می دهیم دیگه می گوییم شما هم در گفتارتان اسم رسول الله را همینجوری صریح و بدون لفافه نگویید شما اسم شریفشان را مودبانه ببرید به مردم خطاب شد لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَینَکُم کَدُعاءِ بَعضُکُم بَعضاً اونطور که همدیگر را صدا می زنید رسول خدا را اونجور صدا نزنید.رعایت احترام کنید بگید یا رسول الله صدیقه ی کبری علیها السلام داره وقتی این آیه نازل شد من هم ادب کردم من هم نمی گفتم پدر می گفتم یا رسول الله یه بار که گفتم یا دو بار یا سه بار فرمود این آیه درباره ی تو نیست درباره ی اون کسانی ست که اهل ادب نیستند تو بمن بگو پدر أنتَ قوُلی یا أبَه وقتی تو بگویی پدر ارذال الرّب به احیاء القلب هم دلم زنده می شود و خدا خوشحال می شود.تو پدر بگو با گفتن پدر قلب پدر روشن می شود چقدر محبوبیته تو بگی بابا دلم زنده میشه روشن میشه و خدا راضی می شود ولی یک بار گفت بابا ولی قلب پدر را آتش زد همیشه می گفت بابا تا پدر می گفت پدر خوشحال میشد یکبار گفت یا أبتاه یا رَسُولَ الله هَکَذَا کَانَ یُفْعَلُ بِحَبیبَتِکَ وَ ابْنَتِکَ پدر ببین با من چه معامله ای کردند!اون یک بار یا أبتاه قلب پدر را آتش زد.به هرحال پس ما که الان در آستانه ی عرض مودت به حضور اقدس زهرا علیها السلام هستیم امیدواریم ان شاء الله همه ی ما اونطور که می خواهند ما هم دنبالشون حرکت کنیم چون ما زیاد حق بزرگان را می دانیم در مجالسمان را دیگه فضائلشان مناقبشان.اما همه ی اینها تا وقتی درسته که ما الگو بگیریم ازشون بگیریم دیگه.این مایه ی تأسف و تأثره برای ما.حرفهای بزرگان گفته میشه حالاتشان نقل می شود ولی ما همچنان رکود داریم جمود داریم پیش نمی رویم این مثل اینکه درس پایین باید به ما داده بشود بالا داده می شود از این جهت ما بهره ای خیلی نمی بریم اونها در درجه ی اعلاء هستند دیگه.تا اون کسی که انقدر زاهده که شب زفافش پیراهن منحصر خودش را به زن فقیر و سائلی بدهد اخه این ساده نیست.یعنی زن های مایی که در یک مجلس اگر پیراهنی پوشیده باشند مجلس دوم نمی پوشند اون پیراهن را که شخصیتم کم میشه برای اینها چطور میشه این مطلب تفهیم بشه که او شب زفافش پیراهن عروس که با جان عروس برابری می کند اون را داده باشد به یک مسکینی.فقط اون لباس کرباس و کهنه اش را بپوشه بگه چون دستور اینه بگه لَنْ تَنَالوا البِرَّ حَتَّی تُنفِقُوا مِمّا تُحِبُّون[[14]](#footnote-14)1 یه موقع می بینی اینجور درسها در میان ما اصلا گاهی هم انسان فکر میکنه که توهین باشه برای اینکه در نظر مردم ما شخصیت در لباسه زنها اینجورین دیگه.شخصیتشان عظمتشان در لباس خوبه.در نظر اونها لباس فقیرانه بی شخصیتیه! ولذا اگر بگیم زهرا علیها السلام لباس کرباسی پوشیده و خانه ی شوهر رفت میگن آدم بی شخصیتیه.خیلی مهم نیست.در نظر اونها مهم آنست که لباس فاخر داشته باشه چند دست داشته باشه.اون هم برای یک شب پنجاه هزار تومن خرج فرض بفرمائید.صد هزار تومن خرج برای یک یک جامه بپوشه.خب این رفتاری که ما داریم با اون حرفهایی که ما میزنیم مثلا اصلا سازگار نیست خیلی فاصله است.ممکنه برای یک بچه ی کلاس اول برای یک بچه ی کلاس ششم هم یک درس بهش بگن یه قدری نگاه می کند و به به می کند و سر میجنباند و اما نمی فهمد چون بچه ی کلاس اول که نمی فهمه کلاس ششم یعنی چه که حسابشو بخواد بگه.گوش میده یه قدری هم بنظرش خوبم میاد اما بدردش نمیخوره یعنی نافع به حالش نیست.غالبا ما اینجور گرفتاری ها داریم یعنی ما در مراحل اولیه لنگی داریم اونوقت حرفهای بزرگانی که در درجه ی اعلی قرار گرفته اند در مرحله ی عالی انسانیت و آدمیت قرار گرفته اند وقتی بحث می شود هیچی بنظر ما خیلی سبک میاد و قابل اعتنا هم نمی شود.

با هم آمدند خدمت رسول خدا «تقاضی علی و فاطمه الی رسول الله(ص) فی الخدمة[[15]](#footnote-15)1» راجع به خدمت و تقسیم کار در خانه رسول خدا هم «فقضی علی فاطمة بخدمة ما دون الباب و قضی علی علی بما خلفه» بعد فرمود اون چه این سمت در توی خانه هست برای زهرا علیها السلام باشه اون چه بیرون از خانه است برای علی علیه السلام باشه.یه تقسیم کاری بود برای مرد و زن مسلمان نه فقط برای اون دو نفر.او میخواهد تقسیم کار می کند ما قبول نمی کنیم این حرف را.ما میگیم این درست نیست.توی خانه کارها مال زن همه کارهای بیرون برای مرد باشه که زن اصلا در امور اجتماعی سیاسی در این کارها بدون ضرورت دخالت نکنه مثلا اینو ما نمی پذیریم.ضرورت مطلب ی دیگریه.کجا ضرورت در کار هست این همه اختلاط مرد و زن توو هم دیگه و کارهایی که بسیاری از جوانها بیکارند و زن ها متصدی بشوند و این را ما نمی پذیریم. ما دون باب برای زهرا علیها السلام ما خلفش برای علی علیه السلام بعد هم زهرا علیها السلام فرمود: «فَلا یعلم ما داخلنی من السّرور الا الله» بقدری از این تقسیم کار خوشحال شدن جز خدا کسی نمی دانه.از این تقسیم کار خوشحال شدند.ما میگیم نه ما ناراحت میشیم از این تقسیم کار به این کیفیت باشه.من خوشحال شدم آنچنان سروری که جز خدا کسی نمی داند «باکفائی رسول الله تحمل رقاب الرجال» چون رسول خدا با این تقسیم کار مرا بی نیاز کرد از اینکه اون کارهایی که مخصوص مردان است من متصدی بشوم.بی نیازم کرد از این که بی جهت در میان مردها ظاهر بشوم.او همان است که می فرمود شخصیت زن در اینه که نه مردی ببیند نه مردی او را ببیند.آره این شخصیت برای زن های ما هست؟قبول دارند این مطلب را؟شخصیت زن در همینه که نه مردی او را ببیند و او هم مردی را نبیند به قول ما از مُد افتاده این حرف ها متروک و محجوره.بهرحال حالا یک چند جمله ای امروز شاید امروز بود که امُ عیناً و اسماء را فرستاد دنبال آقا که بیرون رفته بوده آقا.وقتی آقا تشریف فرما شد عرض میکنه آقا دوست دارم چند لحظه ای کنار من بنشینی.ساعت به ساعت به مرگ نزدیک می شوم دیگه.ولی دوست دارم اتاق خلوت باشه کسی نباشه.چن تا از خانم ها که بودند اونها هم بیرون رفتند مولی علیه الصلاة و السلام نشست کنار بستر زهرا علیها السلام دست آورد سر مبارکش را بلند کرد از بستر.بقدری بدن آب شده ذاق لحمها دیگه از بدن چیزیی باقی نمانده بدن آب شده گوشت از بین رفته پوست به استخوان چسبیده آقا دست آورد زیر زهرا علیها السلام بلند کرد به سینه اش چسبانید.فرمود اون چه در دل داری برای من بگو.میخوام وصیت کنم ساعت به ساعت به پدر نزدیک می شوم به ملاقات با پدر.بعد هم جملاتی دارد انقدر هم تکیه دارد مخصوصا روی جمله ی سومی که حتی دارد در بعضی نقل ها که اگر برای تو زحمت دارد به این وصیت عمل کردن به دیگری واگذار کن.این نشان می دهد شدت اهتمام به این مطلب که این جنبه ی سیاست وصیت هم همینه که آبروی اونها را ریخته با همین وصیت اختفاء قبر اختفاء تجهیز آبروی آنها را ریخته.زهرا علیها السلام با بیل و کلنگ اقدام نکرده با همین وصیت ثقیفه ی بنی صاعده را بر سراهلش ویران کرده.با اون خطبه ی غرّائی که در انشاء فرمود کمر اونها را شکست تا روز قیامت بیچاره شان کرد ولذا رسول خدا روی این جهت همیشه اعلام می کرد که بعدا جریانی پیش میاد ایضاء دخترم پیش میاد این خبر از همین بود که او انقلابیه ساکت نمی نشیند و عاقبت هم رسوا خواهد کرد اونها را و اذیت خواهند کرد و با خبر باشید اذیت او اذیت من حساب خواهد شد.حالا در اینجا وصیت که می کند اهتمام هم دارد که اگر نتوانی برات مشکل باشه من به دیگری واگذار کنم.خب این جملات اول که آقا من در این مدتی که در خانه ی شما بودم نافرمانی از من صادر شده باشد.فرمود: مَعاذَ الله أنتِ أعلم بالله وَ أبَرُّ و أتقَی و أکرَمُ و أشَدُّ خَوفاً مِنَ اللهِ مِن أنْ أُوَبِّخَکِ[[16]](#footnote-16)1 پناه بر خدا می برم تو عالم تر از این مطلبی.تو پرهیزکار تر أتقی و أبر از این مطلبی که کوچکترین نافرمانی لغزشی به تو نسبت داده بشود و این سنگین بر من مخالفت تو و این مصیبت رسول خدا را تجدید می کند برای من.بعد هم جمله ی دیگر که بچه های من خردسالند اینها بعد از من بی مادر می شوند احتیاج به محبّت دارند مرد هم احتیاج به همسر دارد از تو می خواهم با امامه ازدواج کنی که خواهر زاده ی من هست برای بچه های من مهربانتره.بعد اون جمله ی آخر وصیت که سنگین همینه که آبروی اونها ریخته اینکه باید شبانه تجهیزم کنید من راضی نیستم هیچکدام از اینها به پای جنازه ام بیایند که تا روز قیامت این سند بطلان حکومت بوبکر و عمر خواهد بود او ناراضی از دنیا رفته که شبانه غسلم بده شبانه کفن بر من بپوشان شبانه نماز بخوان بر من و دفنم کن و قبر مخفی باشه که اونها ندانند و بعد هم وصیت می کند وقتی مرا داخل قبر گذاشتی خاک روی بدنم ریختی کنار قبر من بالای سر من بنشین برای من قرآن بخوان که در اون موقع میّت احتیاج دارد به اونچه با زنده علی علیه السلام نمی دانیم چه فشاری بر قلب مقدسش وارد آمد که وقتی کنار قبر آمد و بدن مطهر را در قبر گذاشت خاک روی اون بدن رنج دیده ریخت نَقَضَ یَدَهُ مِنَ التُّراب القبر هاج به الحُزن[[17]](#footnote-17)2 وقتی خاک را ریخت دریای غصه و اندوه بر قلب مبارکش سرازیر شد.

صلّی الله علیک یا مولانا یا امیر المومنین صلّی الله علیک و علی آل بیتک الطاهرین

پروردگارا به حرمت فاطمه ی زهرا علیه السلام در فرج امام زمان ما تعجیل بفرما.

قلب مقدس امام عصر را از ما راضی و خشنود بگردان.

پروردگارا مریض های ما را لباس عافیت بپوشان.

فرزندان ما را نسل ما را محب اهل بیت قرار بده.

در فرج امام زمان ما هم تعجیل بفرما.

1. . زاد المعاد، ج 1، ص 281 [↑](#footnote-ref-1)
2. 1 . مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی [↑](#footnote-ref-2)
3. 2 . سوره ی مبارکه ی اعراف ، آیه ی 54 [↑](#footnote-ref-3)
4. 3 . بحار الانوار،جلد 43، صفحه 12 [↑](#footnote-ref-4)
5. 1 .سوره ی مبارکه ی یس، آیه ی 82 [↑](#footnote-ref-5)
6. 2 . اقبال الاعمال ، ج 3،ص 164 [↑](#footnote-ref-6)
7. 3 . بحار الانوار، ج 43، ص 65 [↑](#footnote-ref-7)
8. 1 . عوالم العلوم ، ج 11، ص 64 [↑](#footnote-ref-8)
9. 1 . عوالم العلوم ، ج 11، ص 277 [↑](#footnote-ref-9)
10. 1 . من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 320 [↑](#footnote-ref-10)
11. 1 . سوره ی مبارکه ی زمر ، آیه ی 65 [↑](#footnote-ref-11)
12. 2. سوره ی مبارکه ی انبیاء، آیه ی 22 [↑](#footnote-ref-12)
13. 3 .سوره ی مبارکه ی نور ، آیه ی 63 [↑](#footnote-ref-13)
14. 1 . سوره ی مبارکه ی آل عمران، آیه ی 92 [↑](#footnote-ref-14)
15. بحار الأنوار، ج 43، ص 81 [↑](#footnote-ref-15)
16. 1 . بحار الانوار، ج 43، ص 191 [↑](#footnote-ref-16)
17. 2 . نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه 193 [↑](#footnote-ref-17)